



علاوه بر خواندن متون تحلیلی شاید بد نباشد که از یک رمان داستانی- تاریخی برای ریشه‌یابی واقعه‌ی کربلا کمک بگیریم. نامیرا شبیه به یک فیلمنامه است. این کتاب مانند یک فیلم سه بعدی شما را زمانی که حدود دو ماه بیشتر به محرم سال ۶۱ هجری باقی نمانده است به میان کوفیان می‌برد. با شخصیت‌های واقعی کوفه آشنا می‌شوید. دیالوگ‌های آنها را می‌شنوید. به انگیزه‌ها، ارزش‌ها و ضدارزش‌های آنها پی می‌برید. درگیر تصمیمات آنها شده و مدام به خواندن ادامه‌ی داستان علاقه‌مندتر می‌شوید. انگار در حال تماشای یک سریال جذاب هستید.

درونمایه این کتاب، فضای تردید و ابهام است. یعنی به خوبی درمی‌یابید که کوفیان چگونه بین حمایت از امام حسین یا باقی ماندن در ظلم یزید در تردید و ابهام به سر برده و چرا قادر نیستند یکی را با قاطعیت انتخاب کنند؟ کتاب سعی دارد شما را با علت این تردید و عاقبت آن نیز آشنا کند. مدام از خودتان سؤال می‌کنید که اگر من جای فلان شخصیت کتاب بودم چه کار می‌کردم؟ شخصیت‌های داستان، آرام آرام تغییر رنگ می‌دهند.

و این تغییر رنگ برای خواننده که تدریجاً با این شخصیت‌ها رفیق شده است بسیار سخت خواهد گذشت. کتاب سعی دارد که پی بردن به علت این تغییر رنگ را به خواننده واگذار کند (که البته کار سختی هم نیست).

کتاب، پایانی انفجاری دارد!

تقریباً تمامی شخصیت‌هایی که برای دعوت از امام به کوفه سر از پا نمی‌شناختند؛ هر کدام به دلیلی از انتخاب خود منصرف می‌شوند فرستاده‌ی امام را بی یاور و تنها باقی گذاشته و به عبیدالله‌بین زیاد می‌پیوندند.

عده‌ی انگشت‌شماری هم اگرچه در ابتدا با حمایت از امام، مخالف بوده یا تردید داشتند؛ ولی آرام آرام نظرشان تغییر کرده و در آخر با هر زحمتی که بوده چند روز مانده به عاشورا خود را به حسین (ع) رسانده و چند روز بعد برای همیشه جاودان می‌شوند.

نام کتاب از سرنوشت همین عده‌ی انگشت‌شمار گرفته شده است.

نامیرا یعنی کسی که هرگز نمی‌میرد. نامیرا یعنی جاودان ...